

ختنه‌ی زنان از دیدگاه مذاهب فقهی

مصطفی ذوالفقار طلب^۱

محمد جمالی^۲

چکیده

واژه‌ی ختنه‌ی زنان، واژه‌ای عام است که شامل هر نوع قطع اندام تناسلی زنان می‌گردد: از سبک‌ترین درجه‌ی قطع اندام تناسلی یعنی از قطع غلغه (پوست روی کلیتوریس) تا برداشتن کلی یا جزئی کلیتوریس و لبهای کوچک فرج با یا بدون بریدن لبهای بزرگ فرج. ختنه‌ی زنان از جمله رسوم کهن پیش از اسلام است که دین اسلام با رعایت مسایل عرفی و بکارگیری «شیوه‌ی تدریجی» به تعدیل آن پرداخته است. فقها در بین انواع ختنه فقط برداشتن غلغه (پوست روی کلیتوریس) صرفنظر از نوع حکم آن به لحاظ وجوب، استحباب و مکرمات را جایز دانسته‌اند که از آن تعبیر به ختنه‌ی شرعی (سنت) کرده، ولی از انواع دیگر ختنه‌ها تعبیر به ختنه‌ی غیر شرعی (فرعونی) کرده‌اند. از سوی دیگر، سازمان‌های حقوق بشر و سازمان‌های هم‌سو با آن به وضع قوانین سختگیرانه‌ای بر ضد همه‌ی انواع ختنه پرداخته‌اند که در این میان بعضی از فقهای معاصر اهل سنت و امامیه با این دیدگاه متفق‌القولند. وجود گزارشات ضد و نقیض پزشکی درباره‌ی آثار مثبت و منفی ختنه‌ی زنان و ممنوعیت همه‌ی انواع ختنه از سوی طرفداران دیدگاه مخالف این عمل و نیز عدم توجه به مقاصد شریعت در بیان احکام شرعی ختنه‌ی زنان، پژوهش در این مقاله را ضروری می‌گرداند؛ بدین منظور در این مقاله پس از پرداختن به ماهیت ختنه‌ی زنان، دیدگاه مذاهب فقهی را درباره‌ی این موضوع بیان می‌کنیم.

واژگان کلیدی: ختنه‌ی زنان، ختنه‌ی شرعی، ختنه غیر شرعی، بریدن

آلت تناسلی زنان، فقه مذاهب.

۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسوؤل)
نشانی الکترونیک: zolfaghar.t@gmail.com

۲- استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران، تهران، ایران.
نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۹/۸ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۱

مقدمه

یکی از مسائل پزشکی مبتنی بر باورهای دینی و عرفی، ختنه‌ی زنان است که از روزگار قدیم تا کنون در بین جامعه بشری رواج داشته است. ختنه‌ی زنان صرف نظر از ماهیت‌های مختلف آن، در جامعه‌ی معاصر از سوی سازمان‌های مختلف حقوق بشر مورد هجمه قرار گرفته؛ به طوری که هر گونه جراحی بر اندام تناسلی زنان خواه جراحی خفیف یا سنگین ممنوع اعلام شده‌است و همایش‌ها، کنفرانس‌ها، نشست‌ها، مقالات و آثار فراوانی در این باره ارائه شده است و براساس آن، قوانین سخت گیرانه‌ای را در جرم انگاری جراحی بر اندام تناسلی زنان وضع کرده‌اند. از سوی دیگر فقها، اطلاق در حکم به این مساله را نپذیرفته‌اند، بلکه ختنه‌ی زنان را بر دو قسم تقسیم کرده‌اند: ختنه‌ی شرعی (سنت) و ختنه‌ی غیر شرعی (فرعونی). فقها در عدم پذیرش ختنه‌ی غیر شرعی با طرفداران ممنوعیت این عمل متفق‌القول، ولی با پذیرش ختنه شرعی با آنان در اختلاف می‌باشند. فقها دیدگاه خویش را در این باره با جمعی از روایات، قواعد اصولی و عقلی به اثبات رسانده‌اند.

نکته‌ی قابل ملاحظه آنکه طرفداران هر کدام از دیدگاه‌های مذکور به نظرات پزشکی استدلال کرده‌اند، با این تفاوت که مجامع حقوق بشر، نظرات پزشکی را برای اثبات ممنوعیت ختنه‌ی زنان کافی دانسته‌اند؛ در حالیکه طرفداران ختنه‌ی شرعی زنان، نظرات پزشکی را در تقویت دیدگاه خویش نه اثبات آن ارائه داده‌اند؛ چه آن که در نزد اصولیان دایر مدار حکم، علت است نه حکم. (سرخسی، بی تا، ۱۸۲/۲) و براین اساس جهت اثبات جواز ختنه‌ی شرعی به مجموعه‌ای از ادله‌ی شرعی استدلال کرده‌اند.

براساس گزارشی از سوی سازمان بهداشت جهانی WHO در سال (۲۰۰۸ م) درباره‌ی آمار ختنه‌ی زنان حدود ۱۰۰ تا ۱۴۰ میلیون زن و دختر در معرض ختنه به مفهوم عام آن قرار می‌گیرند و حد متوسط ختنه‌ی زنان سالیانه فقط در آفریقا سه میلیون شخص می‌باشد. این عمل در برخی از مناطق ایران همچون استان‌های (بوشهر، هرمزگان، کردستان، خوزستان، لرستان) و همچنین در برخی از کشورهای آسیای جنوبی (برخی از مناطق اندونزی و مالزی و ...) و نیز در برخی از مناطق کشورهای عربی (جنوب یمن، بحرین، امارات متحده عربی) و نواحی کردنشین شمال عراق و نیز در جنوب ترکیه و ... انجام می‌گیرد (ختان الاناث، التعریف و التصنیف)^۱. ناگفته نماند که افکار عمومی معاصر، با توجه به تبلیغات گسترده بر ضد این عمل و محدودیت‌های شدید قانونی، بر منفی بودن این عمل مستقر شده است که براساس تحقیقات میدانی، این پدیده رو به کاهش است.

وجود گزارشات متعارض پزشکی درباره‌ی آثار مثبت و منفی ختنه‌ی زنان و نیز استعمال عام واژه‌ی ختنه در هر نوع بریدن اندام تناسلی زنان و استنتاج حکم عام برای آن بدون تفاوت بین انواع بریدن اندام تناسلی زنان و نیز عدم توجه به مقاصد شریعت در بیان احکام شرعی این نوع ختنه، پژوهش در این موضوع را ضروری می‌گرداند تا با پرداختن به این مسائل با نگرش تطبیقی، برخی از ابهامات موجود بر طرف گردد. این مقاله در بردارنده دو مبحث کلی می‌باشد:

- ماهیت ختنه زنان.

- دیدگاه اسلام درباره‌ی ختنه‌ی زنان.

اکنون هر یک از مباحث مذکور را به طور تفصیل، تبیین می‌نماییم:

۱- ماهیت ختنه‌ی زنان

در این مبحث ابتدا به تعریف ختنه و سپس مراد از ختنه‌ی زنان در لغت و اصطلاح و آن گاه به انواع ختنه‌ی زنان در جوامع بشری در قالب پیشینه‌ی ختنه‌ی زنان، اسباب و اهداف این نوع ختنه، چگونگی و انواع آن می‌پردازیم:

۱-۱- تعریف ختنه در لغت

الف- ختنه در ادبیات عرب: ختنه از ماده‌ی (ختن) به معنای قطع و بریدن است و از آن جهت که در ختنه‌ی مردان و زنان، بخشی از اندام تناسلی را می‌برند، از آن تعبیر به ختنه می‌کنند و لفظ ختنان به معنای محل بریدن اندام تناسلی است. پس از تامل و تدقیق در واژگان ادبیات عرب ملاحظه می‌شود که لفظ ختنه برای مردان و لفظ خفص برای زنان به کار برده می‌شود که هر دو به معنای قطع و بریدن بخشی از اندام تناسلی می‌باشد. (ابن منظور، بی تا، ۱۴۶/۷).

ب- مفهوم ختنه‌ی زنان در زبان انگلیسی: پرداختن به مفهوم ختنه در زبان انگلیسی از آن جهت مهم است که سازمان‌های حقوق بشر و قوانین غربی با توجه به مفهومی که از ختنه ارائه داده‌اند، حکم به ممنوعیت ختنه‌ی زنان کرده‌اند. واژگانی که در زبان انگلیسی درباره‌ی ختنه ملاحظه می‌شود، مفهومی عام است که شامل همه‌ی بریدن خفیف یا سنگین آلت تناسلی زنان می‌گردد، به طوری که مفهوم واضح و شفاف «مثله» از آن بر می‌آید که مسلماً با واژه‌ی «مثله» تصور منفی متبادر به ذهن می‌گردد.

عبارات ذیل در زبان انگلیسی برای قطع و بریدن اندام تناسلی زنان به کار برده شده است.

1- Female genital mutilation

- 2- Female genital cutting
- 3- Women's circumcision
- 4- Female genital mutilation (FGM)

واژه‌ی اخیر با علامت اختصاری FGM به مفهوم بریدن آلت تناسلی زنان در میان جوامع غربی و منابع حقوق بشری مورد پذیرش و استقبال قرار گرفته است که مسلماً کاربرد این واژه به سبب عمومیت و شمولیت آن در تمام انواع قطع اندام تناسلی زنان، مورد پذیرش و استقبال طرفداران ختنه شرعی قرار نگرفته است؛ چه آنکه تعبیر مثله و قطع اندام تناسلی زن به جای ختنه‌ی شرعی نوعی توهین و نادیده گرفتن اعتقادات دینی آنان محسوب می‌شود و نشان از نژادپرستی غربی و تبلیغات دشمنانه‌ی غرب علیه تمدن ملل غیر غرب دارد. قوانین غربی و فعالیت‌های مجامع حقوق بشر بر ضد تمام انواع ختنه، ناشی از همین مفهوم عام و کلی از ختنه می‌باشد.

۲-۱- پیشینه تاریخی ختنه‌ی زنان

درباره‌ی منشا تاریخی ختنه‌ی زنان، اسناد و اقوال متعدد و مختلفی وجود دارد؛ ولی پس از تامل و تحقیق در تاریخچه‌ی ختنه‌ی زنان این نتیجه حاصل می‌آید که تاریخ آن به پیش از اسلام باز می‌گردد. براین اساس مشروعیت ختنه‌ی زنان از دیدگاه طرفداران آن، از نوع احکام امضایی محسوب می‌شود، نه تاسیسی. قدیمی‌ترین شاهد تاریخی درباره‌ی ختنه‌ی زنان، مومیایی‌های بجا مانده از ۲۰۰ سال پیش از میلاد است که آثار بریدن کلیتوریس در آنها نمایان است و خواستگاه جغرافیایی این پدیده، دره‌ی رود نیل در مصر باستان می‌باشد و سپس این آیین به اطراف حوزه رود نیل، شمال شرق و غرب آفریقا گسترش یافته است. هرودت مورخ یونانی وجود این آیین را در بین مصریان در سال پنجم پیش از

میلاذ گزارش کرده است. براساس گزارش هرودت، رومی‌ها، اتیوپی‌ها و فنیقی‌ها نیز چنین رسمی داشته‌اند. از سوی دیگر «استرابو» جغرافی‌دان یونانی، رسم ختنه‌ی زنان را حدود سال ۲۵ پیش از میلاد گزارش می‌کند. (ختان الاناث، التعریف و التصنیف)^۲.

۳-۱- اسباب و اهداف ختنه‌ی زنان

درباره‌ی اسباب و اهداف ختنه‌ی زنان گزارشات متعددی ارائه شده است، که بارزترین آن عبارت است از: عرف رایج و اعتقادات مذهبی.

دلایل دیگری که این افراد در حمایت از ختنه‌ی زنان ذکر کرده اند عبارتست از: کنترل جمعیت به سبب کمبود مواد غذایی در نقاطی از آسیا و آفریقا، تمیزی، قابلیت ازدواج، اجتناب از بی‌قاعدگی در امور جنسی، تضمین باکرگی، بهبود قابلیت تولید مثل، کاهش تلفات نوزادان و مادران و بالا بردن لذت جنسی شوهر (ختان الاناث، التعریف و التصنیف)^۳.

۴-۱- چگونگی و انواع ختنه‌ی زنان

صرف نظر از استعمال مجازی ختنه‌ی زنان در تمام انواع قطع اندام تناسلی، در این بخش به انواع آن در تقسیم‌بندی‌های سازمان بهداشت جهانی WHO و فقه اسلامی می‌پردازیم تا با این مقایسه وجه تمایز بین دو نهاد مشخص شود.

الف - انواع ختنه‌ی زنان در تقسیم‌بندی سازمان بهداشت جهانی (WHO)

سازمان بهداشت جهانی (WHO) در سال ۱۹۹۷م و ۲۰۰۷م چهار نوع

تقسیم‌بندی را برای قطع اندام تناسلی زنان مشخص کرده است:

نوع اول: برداشتن کلی یا جزئی کلیتوریس همراه بریدن غلفه (پوست روی

کلیتوریس)

نوع دوم: برداشتن کلی یا جزئی کلیتوریس و لبهای کوچک فرج با یا بدون بریدن لبهای بزرگ فرج.

نوع سوم: هر گونه تنگ کردن مجرای مهبل با ایجاد یک مهر و موم پوشش با بریدن و تغییر مکان دادن لبهای کوچک فرج و با لبهای بزرگ فرج با یا بدون بریدن کلیتوریس.

نوع چهارم: هر گونه عمل خطرناک دیگر روی اندام تناسلی زنان بدون هدف پزشکی، مانند سوراخ کردن، سوزن زدن، شکافتن و غیره^۴

ب- انواع ختنه‌ی زنان در فقه اسلامی

در فقه اسلامی ختنه‌ی زنان بر دو نوع کلی تقسیم شده است که فقط یک نوع از آن مشروع شناخته شده است. براین اساس ختنه‌ی زنان بر دو نوع می‌باشد: نوع اول: ختنه سنت (شرعی): عبارتست از بریدن (غلفه- روکش کلیتوریس) همانند ختنه‌ی مردان که روکش دایره‌ای اندام تناسلی برداشته می‌شود.

نوع دوم: ختنه‌ی فرعونی: و آن عبارتست از بریدن کلیتوریس همراه دولب کوچک فرج و حداقل دو سوم دو لب بزرگ فرج که غالباً تمام دو لب فرج قطع گشته و سپس فرج با نخ و همانند آن و در بعضی از مناطق کشورهای آفریقایی با خار، دوخته و بسته می‌شود؛ به گونه‌ای که فقط سوراخ کوچکی برای خارج شدن ادرار و خون مربوط به عادت ماهانه باقی بماند. برای آنکه فرج کاملاً بسته نشود، قطعه کوچکی از چوب که معمولاً عود یا هسته‌ی خرما می‌باشد را در محل ورود فرج قرار می‌دهند. سپس پاهای طفل را به مدت سه روز روی هم قرار داده و می‌بندند و روی رختخواب استراحت می‌کند و پس از حدود دو هفته از عملیات ختنه‌ی فرعونی، زخمها بهبود می‌یابند. وجه تسمیه‌ی این ختنه به فرعونی آن است که براساس گزارشاتی در مصر باستان، فراغنه، آن را بر جمعیت یهودی

ساکن مصر تحمیل می‌کردند^۵ (عماد عمر خلف الله احمد، بی‌تا، ص ۱۶). در مقایسه بین ختنه‌ی شرعی و ختنه‌ی فرعون‌ی و انواع آن از دیدگاه سازمان بهداشت جهانی WHO ثابت می‌شود که دین اسلام با نوع دوم، سوم و چهارم ختنه‌ی زنان مخالف است و جهت برخورد با آن مجازات شدیدی نیز تحت عنوان دیه یا ارش تعیین کرده است و حتی فقه اسلامی با بخشی از نوع اول که بریدن جزئی یا کلی کلیتوریس باشد مخالف است، بلکه به طور عموم با برداشتن غلفه پوشش روی پوست کلیتوریس، موافقت کرده است که احکام فقهی آن نیز در نزد بعضی از فقهای معاصر مختلف است. شرح و تفصیل دیدگاه‌های مذاهب فقهی درمبحث دوم خواهد آمد.

۲- دیدگاه اسلام درباره ختنه‌ی زنان

در مبحث اول بیان شد که براساس مطالعات میدانی سازمان بهداشت جهانی WHO چهار نوع تقسیم‌بندی برای قطع اندام تناسلی زنان گزارش شده است. مجامع حقوق بشر و اغلب نویسندگان نیز همه‌ی انواع چهارگانه مذکور را درباره قطع اندام تناسلی زنان تحت عنوان «ختنه‌ی زنان» بیان کرده‌اند که مفهوم آن بیشتر با مفهوم «مثله» مطابقت دارد و براین اساس تمام انواع مذکور را عملی مجرمانه اعلام کرده‌اند.

دین اسلام با تمام انواع چهارگانه بریدن انواع تناسلی زنان به شدت مخالف است و این عمل در اسلام دارای مجازات سنگینی است، ولی در روایات اسلامی نوعی از ختنه‌ی زنان یعنی بریدن غلفه (پوست روی کلیتوریس) ملاحظه می‌شود که فقها براساس آن به حکم جواز شرعی آن - صرف نظر از نوع حکم آن - فتوا داده‌اند. براین مبنا موضوع ختنه‌ی زنان در اسلام محدود به برداشتن غلفه (پوست

روی کلیتوریس) است که با ختنه مردان مشابهت دارد. البته براساس بعضی از فتاوی فقهای مذاهب مختلف، مراد از ختنه‌ی زنان، بریدن بخشی از کلیتوریس گزارش شده است.

در این مبحث دیدگاه مذاهب فقهی را درباره ختنه‌ی زنان به گونه‌ی ذیل بیان می‌کنیم.

مذاهب فقهی درباره ختنه‌ی زنان دارای سه دیدگاه متفاوت هستند.

۱-۱- وجوب ختنه: شافعیه (نووی، بی‌تا، ۳۴۹/۱۰) حنابله (مرداوی، بی‌تا، ۱۲۳/۱) سحنون از فقهای مالکیه بنا بر مقتضای قول او (قرافی، ۱۹۹۴م، ۲۷۹/۱۳) و جمعی از زیدیه (عترت) (احمد بن یحیی، بی‌تا، ۴۷۰/۳) قایل به وجوب ختنه‌ی زنان هستند.

- دلایل

الف: استدلال به قرآن: «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (نحل: ۱۲۳)؛ (سپس به تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم که حنیف بود و از مشرکان نبود، پیروی کن)

وجه استدلال: ختنه با توجه به آیه‌ی مذکور و احادیث وابسته به ختنه‌ی حضرت ابراهیم (ع) در هشتاد سالگی (بخاری، ۱۹۸۷م، ۲۲۴۹/۳). (مسلم، بی‌تا، ۱۸۳۹/۴) از خصال فطری و شعار دین حنیف بر شمرده شده است. (نووی، بی‌تا، ۳۴۹/۱، قلیوبی و عمیره، بی‌تا، ۲۱۲/۴).

نقد و بررسی: استدلال به خصال الفطره بودن ختنه از باب دین حنیف و سپس تعمیم حکم ختنه مرد به زن از دو جهت مورد نقد قرار گرفته است:

یک/ مراد از «مله» در آیه‌ی مذکور، همان دین حنیف است و حنیف بودن با اعتقاد به توحید و توبه به درگاه خداوند متعال و اخلاص در دین محقق می‌شود

و در حقیقت مراد از «مله» اصل شریعت است، نه فروع و جزئیات آن؛ چه که در بسیاری از مسائل و جزئیات اختلاف وجود دارد. (قرافی، ۱۹۹۴م، ۲۸۰/۱۳).

بر این اساس اگر افعال و جزئیات شریعت داخل مله یا حنیف بودن گردد، باید براساس همان حکم موجود در دین حنیف انجام گیرد.

فعل ختنه نیز بدون بیان حکم شرعی آن از حضرت ابراهیم (ع) به امت رسول الله (ص) رسیده است و آیا اینکه ختنه دارای حکم شرعی واجب یا مندوب است؛ یک مسأله اختلافی است. و قول اقوی دلالت بر ندب می کند نه وجوب.

پس اگر آن را از روی ندب انجام دهیم در حقیقت ازدین حنیف پیروی کرده ایم. (ابن القیم، ۱۹۷۱م، ص ۱۷۰).

قائلین به وجوب ختنه‌ی زنان به این اعتراض پاسخ داده‌اند که آیه‌ی قرآنی به وجوب پیروی از فعل دین حنیف صراحت دارد و این دلالت بر وجوب تمام افعال دارد: مگر آنکه بر سنت بودن آن دلیلی اقامه شود مانند عمل مسواک (نووی، بی تا، ۳۴۹/۱).

دو/ ادله‌ی مذکور درباره‌ی خصال الفطره، همگی در موضوع ختنه مردان است و قیاس ختنه‌ی زنان بر مردان از نوع قیاس مع الفارق است. (موافی، بی تا، ص ۵۴).

ب: استدلال به احادیث: یک/ حدیث رسول الله (ص): «اذا التقى الختانان وجب الغسل» (شافعی، بی تا، ۳۷/۱، احمد، بی تا، ۲۳۹/۶) (اگر دو ختنه‌گاه با هم برخورد کردند غسل واجب می‌گردد).

استدلال: در حدیث مذکور برای غسل ناشی از جنابت، از واژه «الختانان» برای مذکر و مونث به طور اشتراک تعبیر شده است و این دلالت بر آن دارد که زنان نیز ختنه می‌شوند (ابن قدامه، بی تا، ۶۳/۱).

نقد و بررسی: حدیث مذکور فقط دلالت بر آن دارد که زنان نیز ختنه می‌کرده‌اند و آن نیز براساس عرف و عادت برخی از قبایل عرب بوده است، ولی دلالت بر وجوب ختنه‌ی زنان ندارد.

دو/ حدیث رسول‌الله (ص) خطاب به ام طیبه یکی از زنان ختنه‌کننده: «اشمی [اخفضی] و لاتنهکی، فانه اسری للوجه و احظی عندالزوج» (طبرانی، ۱۹۸۳، م، ۳۶۸/۲؛ کلینی، بی‌تا، ۳۸/۶) (اندکی از آن بگیر و تمام آن را قطع نکن. این کار موجب صفا برای رنگ رخسار زن و لذت شوهر می‌گردد).

نقد و بررسی: از این استدلال پاسخ داده شده است اولاً: امر رسول‌الله (ص) در حدیث مذکور بیانگر وجوب ختنه‌ی زنان نیست؛ بلکه بیانگر چگونگی ختنه‌ی زنان است. (قرافی، ۱۹۹۴، م، ۲۸۰/۱۳). ثانیاً- امر مذکور در حدیث برای بیان حکم وجوب نیست، بلکه امر ارشادی است. چه آن که قضیه به یک مسأله‌ی عرفی بر می‌گردد که رسول‌الله (ص) امر به تعدیل و تکمیل فرموده است، به طوری که با ختنه‌ی زنان، آسیبی متوجه زنان نگردد. (موافی، بی‌تا، ص ۶۴).

ج: استدلال به ادله‌ی عقلی: قائلین به وجوب ختنه‌ی زنان به موارد بیشتری از ادله‌ی عقلی استدلال کرده‌اند، از جمله:

یک/ قیاس به قطع عضو در قصاص و حد سرقت، بدین گونه که ختنه درد آور است و این عمل شخص را با سرایت زخم در معرض خطر تلف عضو قرار می‌دهد و هم‌چنین انجام این عمل هزینه بردار است از جمله: حق الاجرت جراح و تهیه دارو. با آسیب رساندن به عضو ختنه و تلف آن، ضمانتی ایجاد نمی‌گردد. اگر ختنه واجب نمی‌بود، اقدام به ختنه که مقتضی همه‌ی موارد مذکور است (دردآور بودن، هزینه‌بردار بودن، عدم ضمانت‌آور بودن) جایز نبود؛ مگر در امر واجب‌مانند قصاص و حد سرقت. نمونه‌های جواز قطع عضورا در قصاص و حد سرقت ملاحظه

می‌کنیم. (قیاس) بنابراین جواز اقدام به چنین عملی با مقتضیات مذکور، دلالت بر واجب بودن ختنه‌ی زنان دارد. (نووی، بی‌تا، ۳۴۹/۱؛ ماوردی، ۱۹۹۹م، ۴۳۲/۲؛ قرافی، ۱۹۹۴م، ۲۸/۳-؛ ابن‌القیم، ۱۹۷۱م، ۱۶۷).

نقد و بررسی: قیاس وجوب ختنه‌ی زنان به وجوب قطع عضو در قصاص و حد سرقت، مورد اعتراض واقع شده است، از آن جهت که قیاس مذکور، قیاس مع‌الفارق است (ابن‌القیم، ۱۹۷۱م، ص ۱۷۲)؛ چه آنکه قصاص و حد سرقت، مجازات محسوب می‌شوند، در حالی که ختنه از باب اکرام مختون می‌باشد. همچنین عدم ضمانت آور بودن ختنه، دلالت بر وجوب ختنه نمی‌کند. چه آن که اگر در نتیجه‌ی عمل حجامت نیز کسی بمیرد، ضمانتی جود ندارد. (قرافی، ۱۹۹۴م، ۲۸۰/۱۳) در حالی که حجامت واجب نیست. دردآور بودن ختنه و احتمال سرایت زخم و منجر شدن آن به تلف و هزینه‌دار بودن عملیات ختنه نیز دلالت بر وجوب ختنه نمی‌کند، چه آن که پدر و معلم نیز با زدن به تادیب می‌پردازد و حق اجرت تادیب به معلمان تعلق می‌گیرد، در حالی که چنین تادیبی واجب نیست (ابن‌القیم، ۱۹۷۱م، ص ۱۷۳).

دو/ عمل ختنه‌ی زنان، مقتضی کشف عورت است، پس اگر ختنه واجب نمی‌شد، کشف عورت در عمل ختنه جایز نبود، چه آن که کشف عورت حرام است، و فقط برای معالجه و ضرورت جایز است.

نقد و بررسی: استدلال به جواز کشف عورت برای وجوب ختنه مورد انتقاد قرار گرفته است؛ بدین گونه که در معالجه‌ی اشخاص، عورت کشف می‌گردد، در حالی که معالجه واجب نیست (قرافی، ۱۹۹۴م، ۲۸۰/۱۳)

ناگفته نماند که قائلین به وجوب ختنه نیز بر ردیه‌های مذکور برضد (قیاس و کشف عورت) پاسخی براساس مقاصد شریعت و ادله‌ی مویده داده‌اند (نووی، بی‌تا، ۳۴۸/۱؛ ابن‌القیم، ۱۹۷۱م، ص ۱۷۹)

۲-۲- استحباب ختنه: اکثر حنیفه (ابن عابدین، بی تا، ۳۷۱/۶)، اکثر مالکیه (قرافی، ۱۹۹۴، م، ۲۷۸/۱۳) اکثر امامیه (محقق حلی، ۱۳۸۶ ش، ۶۶۶/۱؛ شهیدثانی، ۱۳۸۲ ش، ص ۳۴۰)، ظاهریه (ابن حزم بی تا، ۴۲۳/۱) اباضیه (اطفیش، بی تا، ۲۴۷۱)، بعضی از شافعیه (نووی، بی تا، ۳۴۹/۱) و بعضی از حنبله (ابن مفلح، بی تا، ۱۰۵/۱) قایل به استحباب ختنه‌ی زنان هستند.

- دلایل: برای اثبات این دیدگاه به دلایل زیر استناد شده است.

الف- استدلال به ادله‌ی قائلین به وجوب ختنه‌ی زنان (قرآن، سنت و عقل) که امر به ختنه‌ی زنان را به استحباب تاویل کرده‌اند که در ضمن مناقشات و بررسی‌های ادله وجوب بیان شد.

ب- حدیث رسول الله (ص): الختان سنه للرجال مکرمه للنساء، (احمد، بی تا، ۷۵/۵، طوسی، بی تا، ۴۴۶/۷) (ختنه برای مردان سنت و برای زنان مکرمت است) نقد و بررسی: حدیث مذکور مورد مناقشه و نقد قرار گرفته است، از آن جهت که سند آن ضعیف است (بیهقی، ۱۹۹۴، م، ۳۲۴/۸).

ولی در رد این نقد گفته شده است که هر چند حدیث مذکور به لحاظ سند به اثبات نرسیده باشد، ولی وقوع آن به عنوان عرف در روزگار پیش از اسلام و زمان رسول الله (ص)، صحابه و تابعین مرسوم بوده است و این عمل در عصر کنونی ما نیز مرسوم و معمول می‌باشد. اما رسول الله (ص) عمل مذکور را تعدیل کرده‌اند (موافی، بی تا، ۱۰۲/۲).

ج- عرف: ختنه‌ی زنان در مکه مکرمه رواج نداشته است و آن گاه که رسول الله (ص) به مدینه هجرت کردند، این عمل را در نزد آنان ملاحظه کرد که آن حضرت (ص) نیز دستور به تعدیل آن دادند که این عمل تحت عنوان عرف قرار می‌گیرد (موافی، بی تا، ۱۰۲/۲).

د- دلیل عقلی: طرفداران استحباب ختنه‌ی زنان گفته‌اند که ختنه‌ی زنان، موجب روشنایی رخسار آنان می‌گردد و جماع را لذت‌بخش می‌گرداند و در این باره به حدیثی از رسول‌الله (ص) استناد کرده‌اند (اشمی [اخفضی] و لا تنهکی، فانه اسری للوجه و احظی عند الزوج) (طبرانی، ۱۹۸۳، م. ۳۶۹/۲۰؛ کلینی، بی‌تا، ۳۸/۶).
 اندکی از آن بگیر و تمام آن را قطع نکن. این کار موجب صفا برای رنگ رخسار زن و لذت شوهر می‌گردد.

۲-۳- عدم استحباب ختنه: جمعی از معاصران فقهای امامیه از جمله: سید حسین فضل‌الله (پایگاه اطلاع رسانی سید حسین فضل‌الله)^۶ و صانعی (پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه)^۷ و نیز جمعی از فقهای معاصر اهل سنت از جمله: سید سابق، محمد سید طنطاوی، شیخ محمود شلتوت (رای‌العلماء و الفقهاء المعاصرين فی ختان الاناث)^۸ قایل به عدم استحباب، بلکه به طور ضمنی حکم حرمت ختنه‌ی زنان از فتاوی‌ای آنان برداشت می‌شود.

- دلایل: الف: ادله‌ی وارده در باب ختنه‌ی زنان ضعیف می‌باشد و در این باره استدلال به سخن ابن منذر کرده‌اند «لیس فی الختان خبر یرجع الیه و لاسنة تتبع» (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۸۹، م. ۲۲۶/۴).

ب: آیت‌الله صانعی درباره‌ی مکرمه بودن ختنه‌ی زنان که در احادیث وارد شده است می‌نویسد: «مکرمه به معنی آن چیزی است که سبب حسن و بزرگواری آنها نزد شوهرانشان می‌باشد که نه از سنت است و نه چیزی که واجب باشد و ناگفته نماند مکرمه که در مقابل سنت آمده گویای آن است که از نظر اسلام و شرع مبین دارای رجحان و استحباب نبوده بلکه یک امر مردمی و خواسته‌ی افراد در زمان‌ها و مکان‌ها بوده و جهتش هم همان حسن و زیبایی و کرامت نزد شوهر می‌باشد، و اما اگر این عمل دارای ضررهای روحی و جسمی

باشد باید قائل به حرمت و عدم جواز شد و ولی دختر نیز در این گونه موارد که به ضرر دختر می باشد ولایت و حق دخالت ندارد.» (خبرگزاری کار ایران).^۹

ج: سیدحسین فضل‌الله نیز احادیث ختنه‌ی زنان را براساس یک عادت اجتماعی می‌داند که اسلام به روش تدریجی به مخالفت با آن پرداخته است تا در نهایت به حذف آن عمل منجر شود مانند روش آزاد کردن بردگان. (پایگاه اطلاع رسانی محمد حسین فضل‌الله).^{۱۰}

نظر برگزیده

پس از استقرای دیدگاه‌های مختلف فقها و ادله‌ی آنان درباره‌ی ختنه‌ی زنان چنین استنباط می‌شود که تمام صاحب‌نظران این دیدگاه‌ها صرف نظر از درجه حکم آن (وجوب، استحباب و مکرمات و یا عدم استحباب) بر امضایی بودن این مسأله متفق‌القولند؛ بدین معنا که مسأله مذکور از جمله مسایل تاسیسی دین اسلام نبوده، بلکه رسمی از رسوم پیش از اسلام بوده که در بعضی از قبایل عرب نیز مرسوم و معمول بوده است.

به نظر می‌رسد که با توجه به مقایسه‌ی بین شرایط حاکم بر احکام امضایی و احکام تاسیسی و نیز مقاصد کلی شریعت می‌توان این نتیجه را به دست آورد که اولاً: مسایل مربوط به احکام امضایی اجتهاد پذیرند. ثانیاً: احکام تاسیسی نسبت به احکام امضایی از قوت بیشتری برخوردارند. ثالثاً: احکام امضایی ریشه در عرف دارند و عرف نیز یکی از ادله‌ی اجتهاد محسوب می‌شود. بر این اساس روایات وارده در این باب از باب ارشاد عرفی بوده است که رسول‌الله (ص) بر اساس شرایط حاکم آن روزگار به تعدیل آن پرداخته است تا در نتیجه‌ی این عمل، آسیبی به زنان نرسد. پس اگر در زمان و شرایط دیگر ثابت شود که اصل این

مسأله، ضرر آور است و یا نیاز به تعدیل دیگری دارد، به تبع آن، حکم آن نیز تغییر می‌یابد و قاعده ی ذیل نیز موید این مدعاست: «تغییر احکام بر اساس تغییر زمان» (بازلبانی، ۱۳۰۵ق، ص ۳۶) و آن در مواردی است که نصوص شرعی مبتنی بر عرف باشد.

نکته‌ی دیگر در این باره آن است که پس از تدقیق و تامل در ادله‌ی قایلین به وجوب و یا استحباب این مسأله آشکار می‌شود که بخشی از ادله‌ی آنان بر قیاس به ختنه مردان مبتنی است؛ در حالی که چنین قیاسی صحیح به نظر نمی‌رسد. چه آنکه ثبوت ختنه مردان بر اساس نصوص شرعی می‌باشد که بر خلاف قواعد عمومی شرع و قیاس ثابت شده است؛ از آن جهت که اصل در خلقت آدمی، عدم تغییر آن است (عدم تغییر در عضوی از اعضای بدن) و بر این اساس، این نوع مسایل نمی‌توانند به عنوان اصل در قیاس قرار گیرند. چه آن که یکی از قواعد قیاس آن است که: «ما ثبت علی خلاف القیاس فغیره لایقاس علیه» (زرکشی، ۱۹۹۴م، ۳۲/۲). (هر آن چه که بر خلاف قیاس (قواعد عمومی) ثابت شود، مسایل دیگر بر آن قیاس نمی‌گردد).

درباره‌ی گزارشات ضد و نقیض آثار بهداشتی و پزشکی در این مسأله می‌توان گفت که هر آن کس که به یکی از نظرات معتبر پزشکی قانع گردد، حکم تابع همان نظر خواهد بود و تشخیص مسایل پزشکی نیز بر عهده‌ی علم پزشکی است نه فقها؛ چه آنکه بر اساس استقرا در کلیات دین: «تعیین موضوع در شأن فقیه نیست».

نتیجه‌گیری

۱- پس از استقرار در دیدگاه‌ها و ادله‌ی هر کدام از مذاهب فقهی درباره‌ی ختنه‌ی زنان، این نتیجه حاصل می‌آید که اکثریت قریب به اتفاق آنان، عمل ختنه‌ی شرعی زنان را صرفنظر از مراتب مختلف آن (وجوب، استحباب، مکرمات) جایز دانسته‌اند.

۲- با نگاه به پیشینه‌ی تاریخی ختنه‌ی زنان، ثابت می‌شود که این عمل، ریشه در عرف داشته است و قاعده‌ی شرعی بر آن است که: حکم نص مبتنی بر عرف، با تغییر آن عرف تغییر می‌یابد (تغییر احکام بر اساس تغییر زمان) و آن در مواردی است که نصوص شرعی، مبتنی بر عرف روزگار خویش باشد.

۳- روایات وابسته به جواز ختنه، بیانگر آن است که رسول‌الله (ص) به سبب ریشه‌ی عمیق عرفی این مسأله، جهت مخالفت با آن، حداقل دستور به تعدیل آن داده است که تحت عنوان قاعده‌ی مهم شرعی (شیوه‌ی تدریج در تشریح) قرار می‌گیرد.

۴- آثار منفی بهداشتی و پزشکی ختنه‌ی زنان از نوع غیر شرعی (فرعونی)، مورد اتفاق همگان (موافقان و مخالفان) است.

۵- ثبوت آثار منفی بهداشتی و پزشکی برخی از انواع ختنه‌ی زنان، در تحریم این عمل کافی است، خاصه آن که ختنه‌ی زنان دارای پیشینه‌ی عرفی می‌باشد و بر اساس قاعده‌ی شرعی «الضرر یزال».

بنابراین، مسأله ختنه زنان از مسایل عرفی محسوب می‌شود و حکم این مسأله بر اساس شرایط عرفی هر منطقه متفاوت است و مسأله از قبیل احکام متغیرات محسوب می‌شود و نمی‌توان در این باره حکم ثابتی بیان کرد. اما به نظر

می‌رسد که حکم کلی این مساله در روزگار ما با توجه به شرایط خاص حاکم بر آن صرف‌نظر از درجه آن، بر عدم پذیرش ختنه زنان استقرار یافته است.

پی‌نوشت‌ها

- 1 www.egypt.unfpa.org/Arabic/fgmStaticpages
- 2 www.egypt.unfpa.org/Arabic/fgmStaticpages
- 3 www.egypt.unfpa.org/Arabic/fgmStaticpages
- 4 www.egypt.unfpa.org/Arabic/fgmStaticpages
- 5 www.egypt.unfpa.org/Arabic/fgmStaticpages
- 6 www.bayynat.ir
- 7 www.shafagna.com
- 8 www.se77ah.com
- 9 www.ilna.ir
- 10 www.bayynat.ir

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابن القيم، ابو عبدالله محمد بن ابوبکر ایوب زرعی. (۱۹۷م)، تحفه المودود با حکام المولود، دمشق.
- ابن حزم ظاهری، ابو محمد علی بن احمد سعید. (بی‌تا)، المحلی، دارالفکر.
- ابن قدامه، موفق الدین ابو محمد عبدالله. (...)، داراحیاء التراث العربی.
- ابن مفلح مقدسی، ابو عبدالله شمس الدین. (بی‌تا)، الفروع، عالم الکتب.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم. (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت، انتشارات دارالفکر، چاپ اول.
- ابن حجر عسقلانی، احمد. (۱۹۸۹م)، تلخیص الحیبر فی تخریج احادیث الراغبی الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- احمد بن حنبل، ابو عبدالله شیبانی. (بی‌تا)، مسند الامام احمد بن حنبل، مصر، موسسه قرطبه.
- احمد بن یحیی المرتضی، مهدی لدین الله. (بی‌تا)، البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الامصار، دارالکتاب الاسلامی.
- اطفیش، محمد بن یوسف بن عیسی. (بی‌تا) شرح النیل و شفاء العلیل، جده، مکتبه الارشاد. باز، لبنانی، سلیم رستم، جمعیه المجله العدلیة. (۱۳۰۵ش). چاپ سوم.
- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (۱۹۸۷م)، صحیح البخاری، بیروت، انتشارات ابن کثیر و الیمامه، چاپ سوم.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین. (۱۹۹۴م)، سنن البیهقی الکبری، مکه المکرّمه، مکتبه الباز.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین. (۱۳۸۲ش). الروضه البیهی، دارالتفسیر، چاپ سوم.
- خلف الله احمد، عماد عمر. (بی‌تا)، احکام الختان الفرعونی فی الفقه و القانون، سودان، دانشگاه اسلامی ام درمان، مجله علمی، پژوهشی دانشکده اصول دین دانشگاه اسلامی ام درمان.
- زرکشی، محمد. (۱۹۹۴م)، البحر المحیط فی اصول الفقه، دارالکتبی، چاپ اول.
- سرخسی، محمد. (بی‌تا)، اصول السرخسی، بیروت، دارالمعرفه.
- سیوطی، عبدالرحمن. (۱۹۹۰م)، الاشباه و النظائر، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

شافعی، ابوعبدالله محمد بن ادريس. (بی تا)، الام، دارالمعرفه.
 طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمدی. (۱۹۸۳م)، المعجم الكبير، موصل، مکتبه العلوم و الحكم.
 طوسی، شیخ الطایفه، ابوجعفر محمد، تهذیب الاحکام، بیروت، دارالتعارف، چاپ دوم.
 قرافی، شهابالدین احمد بن ادريس. (بی تا)، الذخیره، بیروت، دارالغرب.
 قلیوبی، شهابالدین و عمیره. (بی تا)، حاشیتا قلیوبی و عمیره علی شرح الجلال المحلی علی المنهاج، بیروت، دارالکتب العلمیه .

کلینی، محمد بن یعقوب. (بی تا) اصول کافی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ شانزدهم.
 ماوردی، علی بن احمد بن حبیب. (۱۹۹۹م)، الحاوی الكبير فی مذهب الامام الشافعی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

محقق حلی. (۱۳۸۶ش)، قم، انتشارات رشید، چاپ اول.
 مرداوی، ابوالحسن علی بن سلیمان. (بی تا)، الانصاف فی معرفه الراجح من الخلاف علی مذهب الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مسلم، مسلم بن الحجاج بن مسلم قشیری. (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت.
 موافی، احمد علی. (بی تا)، ختان الاناث بین المشروعیه و الحظر، القاهره، کلبه دار العلوم.
 نووی، ابوزکریا یحیی بن شرف الدین. (بی تا) المجموع شرح المهدب، بیروت، دارالکتب العلمیه.

یادداشت شناسه مؤلفان

مصطفی ذوالفقار طلب: عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)
 نشانی الکترونیک: zolfaghar.t@gmail.com
 محمد جمالی: عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Feminine circumcision from the point of view of Jurisprudential religions

M.Zolfaghartalab

M.Jamali

Abstract

“Feminine circumcision” is a common expression that includes any type of incision of the reproduction organ of women: From the lowest degree of cutting the reproduction organ, that is from incision of Gholfah (foreskin of clitoris) to the total or partial removal of clitoris and small vaginal lobes with or without incision of big vaginal lobe.

Feminine circumcision was one of the ancient traditions of the pre-Islamic era which was modified by Islam in keeping with customary issues and by using a “gradual method”. Among different types of circumcisions jurists have only allowed the removal of Gholfah (foreskin of clitoris) irrespective of the type of its religious percepts whether being obligatory, recommended or dignified, and described it as a religious circumcision (rite) while terming other types of circumcision as non-religious (Pharaonic).

On the other hand, human rights institution and its pro-organizations have made rigid legislations against all type of circumcisions, a viewpoint also approved by certain contemporary Sunni and Imamiyeh jurists.

Contradictory medical reports on the positive and negative impacts of feminine circumcision and prohibition of all types of circumcision by the opponents of this action, coupled with the lack of attention to the Sharia purposes of expressing religious percepts of the feminine circumcision, call for a research on this issue. The present article addresses the nature of the feminine circumcision and provides the viewpoints of jurisprudential religions about the issue.

Keywords

Feminine circumcision, religious circumcision, non-religious circumcision, incision of reproduction organ of women, religious jurisprudence